

تدوین الگوی مفهومی تداوم رابطه زناشویی جوانان در ازدواج های باتجربه پیمان شکنی

نگار تاجمیر ریاحی^۱، جواد خدادادی سنگده^۲، ابراهیم نعیمی^۳

^۱ کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

^۳ دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

تداوم رابطه زناشویی و پایداری ازدواج به واسطه احساس آرامشی که در همسران به وجود می آورد و اثرات مثبتی که بر سلامت روان فرزندان می گذارد، همواره قابل توجه بوده است. اما متأسفانه پاره ای از عوامل هستند که پایداری ازدواج را تهدید و تداوم رابطه زناشویی را به خطر می اندازند. در همین راستا هدف این پژوهش تدوین الگوی مفهومی تداوم رابطه زناشویی در ازدواج های باتجربه پیمان شکنی زناشویی بود. این پژوهش با روش کیفی و با رویکرد داده بنیاد انجام شد. گردآوری اطلاعات به وسیله مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام شد که جهت تحلیل آن ها از شیوه کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده گردید. جامعه مورد مطالعه را کلیه زوجین با تجربه پیمان شکنی زناشویی در شهر اصفهان در سال ۱۴۰۱ تشکیل دادند که با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند که پس از انجام تعداد ۱۵ مصاحبه و تجزیه و تحلیل مصاحبه ها مشخص شد که اطلاعات تکراری ارائه داده می شود و به این ترتیب اشباع نظری حاصل شده و مصاحبه ها متوقف گردید. براساس یافته های بدست آمده آنچه به عنوان عوامل موثر بر تداوم رابطه زناشویی استخراج شد عبارت است از شرایط علی شامل ظرفیت های رابطه زناشویی، ظرفیت های خانوادگی، ظرفیت های فردی، شرایط زمینه ای شامل بستر خانواده مبدأ، بستر فرهنگی اجتماعی، شرایط مداخله گر شامل موانع مبتنی بر فرد، موانع مبتنی بر خانواده، راهبردها شامل راهبردهای شخص محور، راهبردهای خانواده محور، راهبردهای اجتماع محور و پیامدها شامل پیامدهای فرسایشی، پیامدهای رشدی بود. نتایج نشان داد ویژگی های رابطه همسری، ویژگی های شخصیتی همسر آسیب دیده و همسر پیمان شکن، وجود فرزند، عوامل فرهنگی- اجتماعی و اتخاذ راهبردهای مناسب در چگونگی تداوم رابطه زناشویی باتجربه پیمان شکنی نقش دارند.

واژه های کلیدی: پیمان شکنی زناشویی، تداوم رابطه، ازدواج پایدار

مقدمه

ازدواج را می توان ارتباطی دانست که دارای تمامیت بی نظیر و گستردهای است، ارتباطی که دارای ابعاد زیستی، عاطفی، روانی، اقتصادی و اجتماعی است (آقاپور و محمدی، ۱۳۸۸). از ویژگی های مهم ازدواج، پایداری آن است که مولفه هایی مانند احترام، قدردانی، مسئولیت، کیفیت رابطه جنسی و رضایت در استحکام بنیان خانواده تاثیرگذار هستند (کرایبی، خجسته مهر، سوودانی و اصلانی، ۱۳۹۵). اهمیت تداوم ازدواج با توجه به این که ازدواج برای رفاه حیاتی است، منطقی به نظر می رسد. هنگامی که ازدواج ها پایدار و رضایت بخش هستند، همسران سالم تر (روبلز، اسلچر، ترومبلو، مک گین^۱، ۲۰۱۴)، شادتر (بی ویسمان و یوبلکر^۲، ۲۰۱۳) و عمر طولانی تری دارند (وایزمن و همکاران^۳، ۲۰۱۸). روابط پایدار و رضایت بخش زوجین، ویژگی های مثبت زیادی نظیر سلامت روانی، سلامت جسمانی و رشد رابرای اعضای خانواده فراهم می کنند (میکالیتسیانوس^۴، ۲۰۱۴).

ازطرفی زندگی خانوادگی با خطراتی گره خورده است که استحکام حیات خانوادگی و سلامت خانواده را مختل می کنند. در این میان پیمان شکنی زناشویی یکی از چالش هایی است که بسیاری از روابط زناشویی را به طور جدی متاثر ساخته است. پیمان شکنی در دیدگاه برخی از افراد، برقراری رابطه جنسی یا عاطفی اما به صورت مخفیانه به غیر از همسر است (گارسیا^۵، ۲۰۱۷). اشمیت، گرین و پروتی^۶ (۲۰۱۵) خیانت را هرگونه درگیری عاطفی و جنسی پنهانی بایک فرد خارج از رابطه زناشویی را که باعث به هم خوردن توافق زوجین باهم می شود تعریف کرد. در پدیده خیانت زناشویی وقتی که نیازهای فرد توسط شخص سوم ارضا و رضایت و خوشنودی به بار می آورد، روابط آنقدر پیش می رود تا جایی که فرد حاضر است این رابطه پنهانی را ادامه دهد، درست در این وضعیت خیانت اتفاق می افتد (هارلی و هارلی چالمرز^۷، ۲۰۱۳). با توجه به بافت فرهنگی و تجربیات تاریخی کشور ایران، بیشتر خیانت را به مردان نسبت می دهند ولی در سال های اخیر موارد مربوط به خیانت زنان هم سیر صعودی اش مشخص شده است (کاوه، ۱۳۸۷). پیمان شکنی زناشویی منجر به درگیری و پریشانی خانواده می شود (بن آمی و بیکر^۸، ۲۰۱۲). همچنین پیمان شکنی زناشویی از عواملی است که سلامت خانواده را با مشکل مواجه کرده و مهم ترین عامل تهدیدکننده عملکرد و دوام روابط زناشویی است (مارک، جانسن و میلهاسن^۹، ۲۰۱۱). پیمان شکنی زناشویی در برگرنده یک سری عناصر رفتاری مانند نیازهای نامناسب هیجانی و جنسی و فرصت طلبی، بی مسئولیتی و فریب کاری عمدی است که پذیرش آن برای افراد درگیر، راحت و مورد قبول نیست (بشرپور، ۱۳۹۱).

از جمله عواملی که تأثیر بسزایی بر تداوم زندگی زناشویی دارد، اعتماد است. اعتماد، باوری قوی به اعتبار، صداقت و توان یک فرد، انتظاری مطمئن و اتکاء به یک ادعا با اظهار نظر، بدون آزمون کردن آن است. در واقع نگرشی که فرد نسبت به خود و

^۱ Robles, Slatcher, Trombello & McGinn^۲ Be, Whisman & Uebelacker^۳ Whisman Gilmour & Salinger^۴ Mikhaliatsianos^۵ Garcia^۶ Schmit, Green & Prouty^۷ Harley & Harley Charms^۸ Ben Ami & Baker^۹ Mark, Johnson & Milhausen

جهان پیرامون خود دارد و موجب تقویت این احساس می شود که افراد و امور و دنیا قابل اعتماد و دارای ثبات و استمرار هستند. به یقین اعتماد یکی از مطلوب ترین کیفیت ها در هر رابطه ی نزدیک و صمیمی است و اغلب در کنار تعهد و عشق به عنوان هسته ی مرکزی یک رابطه ی ایده آل در نظر گرفته می شود (روتنبرگ^{۱۰}، ۲۰۱۵). یکی دیگر از مقوله هایی که منجر به تداوم رابطه زناشویی منجر می شود مقوله آبرو در جوامع سنتی است. آبرو گزاره های فرهنگی است که با نگاه سایر افراد جامعه به فرد و جامعه پذیری آنها ارتباط دارد. گزاره های فرهنگی در قالب دریافت هشدارهایی در مورد بی آبرویی چنان در برخی زنان درونی شده آنها خود را برای پیمان شکنی همسران شان سرزنش کرده و با احساس گناه تنها به رنج کشیدن در سکوت رضایت می دهند (عبادی، یزدی، حیدری، ۱۳۹۸). از جمله مقوله های دیگری که امکان بهبودی و تداوم رابطه زناشویی را برای زوجینی که بحران پیمان شکنی را پشت سر می گذارند افزایش می دهد، به کارگیری مشاوره و استفاده از رویکردهای درمانی که توسط درمانگر به زوجین ارائه می شود است (پور یحیی و همکاران، ۱۳۹۷). در همین راستا گوردون و همکاران^{۱۱} (۲۰۱۷) معتقدند مداخله درمانی بر بهبود روابط زناشویی افرادی که پیمان شکنی را تجربه کرده بودند، موثر است و این افراد به طور معناداری هیجانات و آشفتگی زناشویی کمتر و سطح بالایی از بخشش را در ارتباط با پیمان شکنی همسرشان نشان دادند.

یافته های پژوهشی حاکی از آن است که ۲۰ تا ۴۰ درصد مردان و ۱۴ تا ۲۵ زنان حداقل یک بار خیانت به همسرشان را گزارش کرده اند و ۴۵ درصد مردان و ۲۶ درصد زنان داشتن رابطه خارج از ازدواج را تایید می کنند (اسچرین، آپلانیز و واگنر^{۱۲}، ۲۰۱۸). نتایج مطالعه ای در آمریکا نشان داد که ۲۱ درصد مردان و ۱۱ درصد زنان در طی زندگی مرتکب پیمان شکنی می شوند (اوبالو و رحیم^{۱۳}، ۲۰۲۲). مطالعات نشان می دهد پیمان شکنی در ۲۵ تا ۵۰ درصد افراد متقاضی طلاق، اولین علت طلاق در زوجین است و از مهم ترین پیشامدهایی است که زوج ها برای آن در جستجوی درمان برمی آیند و تاثیرات منفی فراوانی بر زوجین دارد (عیسی نژاد و باقری، ۱۳۹۵). نتایج مطالعه موفاسا، موتادوا و نیامارو^{۱۴} (۲۰۱۷)، در مورد میل به خیانت کردن از سوی زنان مشخص کرد که نداشتن اعتماد، نداشتن توجه، نادیده گرفته شدن و لذت نبردن از رابطه جنسی از مهم ترین عوامل روانشناختی موثر در خیانت زنان بود. نتایج پژوهش دیمیترو^{۱۵} (۲۰۱۶)، نشان داد که عدم رضایت جنسی و رابطه سست عاطفی همسران از موارد مهمی است که بعد از ایجاد عدم تعادل در رابطه همسران موجب بروز خیانت می شود. مفاهیم استخراج شده مطالعه پدیدارشناسی عیسی نژاد و باقری (۱۳۹۵)، نشان داد که افراد در راستای توجیه خیانت زناشویی به دو شیوه فراگیر ایجاد انعطاف در باورها و نگرش ها و بهانه ساختن نارضایتی زناشویی عمل می کنند. مطالعات نشان می دهند که آشکار شدن پیمان شکنی زناشویی تأثیر هولناکی بر زوج ها می گذارد. افراد هیجانات و عواطف شدیدی، اغلب بین احساس خشم نسبت به فرد پیمان شکن و خجالت، افسردگی، بی رمقی زیاد و رهاشدگی را تجربه می کنند (گوردون، بوکام و سایندر^{۱۶}، ۲۰۰۷). نتایج پژوهش مرسلی، موتابی و صادقی (۱۳۹۷) نشان داد که عوامل متمرکز بر فرد، عوامل متمرکز بر همسر، عوامل متمرکز بر رابطه و عوامل بیرونی منجر به تجربه بخشودگی در زنان دچار خیانت زناشویی شده است.

^{۱۰} Rotenberg

^{۱۱} Gordon et al

^{۱۲} Scheeren, Apellániz & Wagner

^{۱۳} Obalowu & Rahim

^{۱۴} Maphosa, Mutandwa & Nyamayaro

^{۱۵} Demeter

^{۱۶} McCree & Mairem

با توجه به اینکه پیمان شکنی یکی از پدیده‌هایی است که زندگی زناشویی و سیستم زوجی را به شدت تحت تاثیر اثرات مخرب خود قرار می‌دهد و در صورت عدم چاره‌اندیشی و درمان به موقع آن زمینه را برای طلاق رسمی زوجین آماده می‌کند و با عنایت به اینکه پژوهش‌های مداخله‌ای در کشور ما در رابطه با درمان پیمان شکنی محدود است و مدل مبتنی بر تداوم رابطه زناشویی و تجربه پیمان شکنی که در این پژوهش معرفی گردید، نیز کمتر مورد مطالعه قرار گرفته خلاء پژوهشی موجود ایجاب می‌کند که پژوهشی در راستای ارائه مدل مفهومی تداوم رابطه زناشویی در ازدواج‌های با تجربه پیمان شکنی انجام شود. از این رو با توجه به آنچه گفته شد پژوهش حاضر به دنبال آن است که بداند الگوی مفهومی تداوم رابطه زناشویی در ازدواج‌های با تجربه پیمان شکنی زناشویی چگونه است؟

روش

این پژوهش از جمله مطالعات بنیادی، از نوع کیفی است که پژوهشگر برای درک لایه‌های عمیق موضوع، داده‌های آن را به روش داده‌بنیاد^{۱۷} (گرندد تئوری، نظریه برخاسته از داده‌ها یا نظریه زمینه‌ای) مورد تحلیل قرار داده است. به عبارتی، با هدف بررسی تجارب عمیق زوجین ایرانی که اذعان به دارای تجربه پیمان شکنی بودند، از روش کیفی نظریه داده‌بنیاد استفاده شد. نظریه زمینه‌ای یک روش تحقیق کیفی است که از یک سری روش‌های سیستماتیک برای ایجاد یک نظریه مبتنی بر استقراء در مورد یک پدیده استفاده می‌کند. یافته‌های تحقیق مبتنی بر آرایش نظری واقعیت است، نه مجموعه‌ای از ارقام یا مجموعه‌ای از مواد که به یکدیگر متصل هستند. تأکید اساسی در این روش بر رویه‌هایی است که فرا رشته‌ای و فرامحور هستند (کوربین و اشتراوس، ۲۰۱۳). به عبارت دیگر، در نظریه زمینه‌ای، تحقیق هرگز از یک نظریه مشخص شروع نمی‌شود که بعد به اثبات برسد، بلکه پژوهش از یک حوزه مطالعاتی شروع شده و نظریه‌ها از دل آن مطالعه بیرون می‌آید. از این رو در این پژوهش نیز به روش نمونه‌گیری هدفمند با حداکثر گوناگونی^{۱۸} و سپس نمونه‌گیری نظری^{۱۹} تا رسیدن به اشباع نظری ادامه پیدا کرد و پس از انتخاب ۱۵ نفر نمونه‌گیری متوقف شد. معیار ورود افراد شامل داشتن تجربه پیمان شکنی زناشویی به اذعان خود، داشتن سطح تحصیلات حداقل دیپلم، داشتن گروه سنی جوان و گذشتن حداقل یکسال از تجربه‌ی پیمان شکنی زناشویی بود. شیوه اجرای پژوهش به این صورت بود که مصاحبه‌ها نیمه ساختاریافته بود و پژوهشگر ابتدا یک فرد واجد شرایط را انتخاب نمود و مصاحبه با آن‌ها انجام گرفت. سپس به کدگذاری و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه با آن‌ها پرداخت. بر اساس مفاهیم به دست آمده با توجه به خلأهای موجود در یافته‌ها، سوالات راهنمای مصاحبه و چگونگی شناسایی و نام‌گذاری کدهای اولیه توسط پژوهشگر و اساتید راهنما مورد بررسی و ارزیابی مجدد قرار گرفتند. سپس مصاحبه زوج دوم و کدگذاری آن نیز به همین ترتیب انجام گرفت و با حصول اطمینان مصاحبه‌های پژوهش و تحلیل آن‌ها شروع گردید. همچنین ابتدا با انتشار اطلاعیه‌ای از افراد واجد شرایط، جهت شرکت در پژوهش دعوت به عمل آمد و سپس مصاحبه با آنها انجام شد که براساس ملاک‌های ورود و خروج و به صورت آگاهانه و با رضایت شخصی خود، جزء گروه نمونه و مشارکت‌کنندگان پژوهش قرار گرفتند. جلسات مصاحبه به صورت آنلاین و حضری توسط پژوهشگر برگزار گردید. هر مصاحبه به طور میانگین حدود ۴۵ دقیقه به طول انجامید.

اطلاعات به دست آمده در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی بررسی و گزارش شدند. منظور از کدگذاری باز شیوه‌ای از بررسی و مقایسه و خردکردن داده‌هاست که به مفهوم‌پردازی و مقوله‌پردازی می‌انجامد. در این مرحله ده‌ها مفهوم شناسایی شدند. با کنارهم گذاشتن مفاهیم مشابه در گروه، مقولات شناسایی شدند و مقوله‌پردازی انجام شد. بدین

^{۱۷} Grounded Theory

^{۱۸} Maximum Variation

^{۱۹} Theoretical Sampling

ترتیب واحدهایی که محقق با آن‌ها سروکار داشت کاهش یافت. این مرحله بخشی از کدگذاری محوری است. در مرحله کدگذاری محوری مقولات سازماندهی شدند، یعنی مقولات با استفاده از یک متغیر به هم وصل شدند. در مرحله آخر یعنی کدگذاری انتخابی، یک مقوله از میان مقوله‌ها مهم‌تر دانسته می‌شود و بقیه به نحوی بدان ارتباط داده می‌شوند تا نظریه‌ای ساخته و پرداخته شود. سپس بر اساس کدگذاری محوری مقوله‌ها در قالب متغیر شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، راهبردها، پیامدها و شرایط تسهیل‌گر تحلیل شدند و بر مبنای کدگذاری انتخابی روابط بین مقولات با توجه به خصوصیات و ابعادشان مورد توجه قرار گرفت و مدل نهایی طراحی شد.

همچنین به منظور نیل به حداکثر پایایی در این پژوهش، در ضبط و مستندسازی داده‌ها حداکثر دقت لحاظ شده است. در پیاده‌سازی متن مصاحبه‌ها حداکثر دقت لحاظ شده است، به هنگام تفسیر داده‌ها، متون مصاحبه‌ها توسط تیم تحقیق تجزیه و تحلیل شده است. همچنین قسمت هایی از متن مصاحبه با کدهای آن و طبقات به دست آمده به یک نفر ناظر ارسال شد تا صحت تجزیه و تحلیل را بررسی نماید. بخش هایی از متون مصاحبه ها و کدها و طبقات مربوط برای یک استاد و همکار فرستاده شد تا تجزیه و تحلیل ها را بررسی نمایند و نظرات اصلاحی خود را بیان کنند. برای رعایت ملاحظات اخلاقی، در آغاز مصاحبه به مصاحبه‌شوندگان درباره هدف پژوهش، روش مصاحبه، اطمینان از محرمانه بودن اطلاعات و حق آن‌ها برای شرکت یا عدم شرکت در مطالعه توضیحات کامل ارائه شد. رضایت آگاهانه از مصاحبه‌شوندگان اخذ گردید. زمان و محل مصاحبه نیز با هماهنگی و توافق آن‌ها مشخص شد تا اختلالی در زندگی روزانه آن‌ها رخ ندهد. اصل رازداری و محرمانه بودن تمامی اطلاعات در هر مرحله از پژوهش به‌طور دقیق رعایت گردید.

یافته‌ها

در این بخش، پس از بیان ویژگی‌های جمعیت شناختی افراد شرکت کننده، به تحلیل کیفی پاسخ مشارکت کنندگان در این پژوهش پرداخته شده است.

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

ردیف	جنس	سن	تحصیلات	شغل
۱	زن	۳۰	کارشناسی	معلم پیش دبستانی
۲	زن	۳۱	کارشناسی	کارمند
۳	زن	۳۳	کارشناسی ارشد	فعال اجتماعی
۴	زن	۳۷	دیپلم	خانه دار
۵	مرد	۲۴	دیپلم	کارگر
۶	زن	۳۲	کارشناسی	کارمند بیمه
۷	زن	۳۵	کارشناسی ارشد	مداح
۸	زن	۲۸	دیپلم	خانه دار

۹	زن	۳۳	کارشناسی	حسابدار
۱۰	زن	۲۹	کارشناسی	خانه دار
۱۱	زن	۲۲	کارشناسی ارشد	آرایشگر
۱۲	زن	۲۸	فوق دیپلم	فروشنده مغازه
۱۳	زن	۲۷	کارشناسی	خانه دار
۱۴	مرد	۲۶	کارشناسی ارشد	مهندس
۱۵	زن	۲۷	کارشناسی	منشی

در پژوهش حاضر اطلاعات بدست آمده از مصاحبه با مشارکت کنندگان، محصول تجربه آن ها در زندگی مشترک بود که بر اساس پایه علمی تحقیقات کیفی بیان گردیده است. در واقع بعد از رسیدن به اشباع نظری در یافته های به دست آمده و فرایند تجزیه و تحلیل داده ها در نهایت ۲۱۴ کد باز، ۳۴ کد محوری و ۱۲ کد انتخابی شناسایی شد.

جدول ۲- شرایط علی، شرایط زمینه ای، شرایط مداخله گر، راهبردها و پیامدهای تداوم رابطه زناشویی در ازدواج های باتجربه پیمان شکنی زناشویی

شرایط علی تداوم رابطه زناشویی	ظرفیت رابطه ی زناشویی	انتخاب مسئولانه - وجود علاقه ی زناشویی - وجود تجارب مشترک زوج پیش از عهد شکنی زناشویی - رابطه جنسی کارآمد -
	ظرفیت های خانوادگی	وجود فرزند- هدفمندی والدین برای آینده فرزند-
	ظرفیت های فردی	مسئولیت پذیری زوج- حسن خلق - سازگاری با شرایط
شرایط زمینه ای تداوم رابطه زناشویی	بستر خانواده مبدا	فقدان حمایت اولیه - فشار خانواده بر ادامه ی زندگی
	بستر فرهنگی - اجتماعی	وضعیت اقتصادی - انگ اجتماعی - وضعیت فرهنگی - باورهای معنوی
شرایط مداخله گر در تداوم رابطه	موانع مبتنی بر فرد	کیفیت های شخصی همسر عهد

زناشویی		شکن - کیفیت های شخصی همسر خیانت دیده
موانع مبتنی بر خانواده	موانع زوج محور - موانع والد-فرزندی	
راهبردهای تداوم رابطه زناشویی	راهبردهای شخص محور	خود کاوی - مهارت آموزی - خود مراقبتی
راهبردهای خانواده محور	حفظ مرزهای زوجی - افزایش تمرکز بر رابطه ی زوجی - حفظ مرزهای والد-فرزندی	
راهبردهای اجتماع محور	بهره گیری از خدمات مشاوره و روان درمانی - حفظ مرز منظومه ی زوجی با خانواده و اطرافیان - پربار سازی رابطه همسری	
پیامدهای تداوم رابطه زناشویی	پیامدهای فرسایشی	ابعاد روانی جسمانی اعضای خانواده - تزلزل مرزها
پیامدهای رشدی	ابعاد احساسی - شناختی - سازگاری زوج - رشد فرزندان - جو روانی مثبت حاکم بر فضای خانه	

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر به واکاوی پایداری ازدواج در زوجین نابارور پرداخته است. براساس یافته های بدست آمده عوامل علی تداوم رابطه زناشویی بعد از پیمان شکنی زناشویی، ظرفیت رابطه زناشویی، ظرفیت خانوادگی و ظرفیت فردی و شرایط زمینه ای بستر خانواده مبدا و بستر فرهنگی اجتماعی بود. همچنین شرایط مداخله گر موانع مبتنی بر فرد و موانع مبتنی بر خانواده و راهبردهای اتخاذ شده ی زوجین شامل راهبردهای شخص محور، خانواده محور و اجتماع محور بود. در همین راستا پیامدهای تداوم رابطه زناشویی بعد از پیمان شکنی زناشویی، پیامدهای فرسایشی و پیامدهای رشدی بود.

عوامل علی موثر بر شکل گیری تداوم رابطه زناشویی در پژوهش حاضر، سه مقوله اصلی باعناوین ظرفیت های رابطه زناشویی، ظرفیت های رابطه خانوادگی، ظرفیت های فردی را شامل شد. اولین مضمون استخراج شده ازبیانات مصاحبه شوندگان، ظرفیت های رابطه زناشویی بود که روایت افراد درمورد شرایطشان هنگام مطلع شدن از پیمان شکنی همسر نشان میداد که شرایط بسیار سختی را تجربه کرده اند ومقوله ای که باعث بادوام شدن زندگی مشترک آن ها شده، سرمایه ها و ظرفیت های رابطه زناشویی بوده است. ماتسومورا (۲۰۱۶) تاکید می کند پایداری زندگی زناشویی تحت تاثیر عوامل گوناگونی قرار می گیرد که

یکی از آن‌ها معیارهای انتخاب همسر می‌باشد. در پژوهشی دیگر عنوان می‌شود انتخاب صحیح همسر به تشکیل خانواده سالم می‌انجامد که نخستین محیط برای جامعه‌پذیر کردن افراد است و از طریق این فرآیند به انسجام اجتماعی می‌انجامد و در حالت برعکس آن، یعنی انتخاب نادرست همسر، بنیان خانواده برخلاف کارکرد مثبت موردانتظار آن، مرکز نزاع و تربیت فرزندان منحرف و سرخورده و چه بسا در بیشتر اوقات به طلاق ختم می‌شود (اصغری، کرمانی، برادران کاشانی، ۱۳۹۶). مقوله اصلی دوم که در این پژوهش شناسایی شد، ظرفیت روابط خانوادگی است که در زیر مجموعه خود دو مقوله فرعی وجود فرزند و هدفمندی والدین برای آینده فرزند را دربرگرفت. مرور دانش مشارکت‌کنندگان مبتنی بر دوام رابطه زناشویی پس از عهد شکنی در مطالعه حاضر گواه این بود که، وجود فرزند در زندگی یکی از اصلی‌ترین عللی بود که منتهی به دوام و پایداری رابطه زوج می‌شد؛ بدان جهت که تجربه‌ی خیانت از جانب همسر به قدری تکان‌دهنده بوده‌است که در آن شرایط تنها یک انگیزه‌ی مهم و حیاتی توانایی جلوگیری از طلاق و حفظ زندگی زناشویی را داشته‌است. نتایج یافته‌های مطالعات هاستینگ و اسپنچر (۲۰۱۹)، فینیچام و می (۲۰۱۷)، اسپرین، اپلانیز و واگنر (۲۰۱۸)، پریادهارشینی و جولاپان (۲۰۲۰)، قزل‌سفلو و هاشمی (۱۳۹۷) با یافته‌های این پژوهش هم‌خوان است. در نهایت سومین مضمون اصلی شناسایی شده که مستقیماً دوام رابطه زناشویی را موجب شده بود، ظرفیت‌های فردی بامضامین فرعی: مسئولیت‌پذیری زوج، حسن خلق، سازگاری با شرایط می‌باشد. در این بخش منظور از ظرفیت‌های فردی، عواملی هستند که مربوط به فردیت هر کدام از همسران می‌باشند. این عوامل شامل مسئولیت‌پذیری، ویژگی‌های شخصیتی نیکو و شایسته و نگرش‌هایی که به سازگاری بهتر شخص با شرایط کمک‌کرده‌است است. تعمق در یافته‌های پژوهش اثبات می‌کند که مسئولیت‌پذیر بودن شخص خاطی و خیانت دیده در فرآیند سازگاری و پذیرش خیانت و سرانجام دوام زندگی نقش منحصربه‌فردی را ایفا می‌کند هم‌سو با یافته‌های تحقیق جاری در حیطه‌ی ظرفیت‌های فردی، کرایبی، خجسته‌مهر، سودانی، اصلانی (۱۳۹۵)، شیردل، حسینیان، کیمیایی و صفاریان (۲۰۱۸)، مدیری (۲۰۱۷)، محمودزاده، یوسفی، گل‌پرور (۱۳۹۸) به این نتیجه رسیده‌اند که ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده دوام ازدواج باشد و مضاف بر آن، مسئولیت‌پذیری زوجین به عنوان یکی از ویژگی‌های شخصیتی مهم بر ماندگاری ازدواج موثر است.

عواملی در این پژوهش یافت شد که بستر ساز شکل‌گیری تداوم رابطه زناشویی در ازدواج‌های باتجربه پیمان‌شکنی بوده‌اند. این دسته از عوامل، شرایط زمینه‌ای به حساب می‌آیند. اولین عامل زمینه‌ای در این پژوهش، بستر خانواده مبدا معرفی شد که شامل دو مقوله فرعی، تحت عناوین فقدان حمایت اولیه و اصرار خانواده مبدا بر ادامه زندگی است. در تشریح نحوه اثربخشی خانواده مبدا بر دوام زندگی‌های با پیشینه عهد شکنی در این مطالعه باید گفت خانواده‌ها از چند طریق بر پایداری رابطه زوجی اثر گذاشته‌اند. حمایت نکردن خانواده شخص عهد شکن و آسیب دیده از فرد خاطی و عهد شکن برای جدایی از همسر یکی مسائل عمده‌ای است که موجب شده شخص قدرت و نفوذ کافی برای اقدام به طلاق رانداشته باشد و با وجود نارضایتی از شرایط زندگی زناشویی خود، باز هم در رابطه بماند. در همین راستا نتایج پژوهش‌های منتظری (۱۴۰۱) و سمیعی (۱۳۹۷) هم‌سو با نتایج پژوهش حاضر بود. بستر فرهنگی-اجتماعی دومین مولفه‌ی اصلی شناخته شده در شرایط زمینه‌ای می‌باشد که دربردارنده چهار مضمون فرعی است. مضامین فرعی در این بخش عبارتند از: انگ اجتماعی، وضعیت اقتصادی، وضعیت فرهنگی و باورهای معنوی. نتایج پژوهش خطیبی (۱۳۹۴) در حوزه بررسی نگرش زنان در زمینه فاکتورهای اثرگذار بر پایداری ازدواج نشان داد که به ترتیب عوامل اجتماعی، عاطفی، اعتقادی، سیاسی، فرهنگی و در نهایت عوامل اقتصادی از دید زنان برای تحکیم خانواده موثر هستند. افکار، باورها و تصوراتی در ذهنیت افراد شرکت‌کننده وجود داشت که زمینه ساز تحقق یافتن تداوم رابطه زناشویی بود. این عوامل شامل نگرانی از قضاوت دیگران و جامعه راجب طلاق، نگرانی از آینده فرزند و برچسب (فرزند طلاق) خوردن، ترس خانم‌ها از نگرش جامعه نسبت به زنان مطلقه، تشویش آقایان در مورد قضاوت جامعه نسبت به مردی که مورد خیانت قرار گرفته‌است و مجموعاً هراس از به خطر افتادن موقعیت اجتماعی شخص بود. بررسی هانشان می‌دهد این نگرانی‌ها هم در شخص پیمان‌شکن و هم در شخص آسیب‌دیده وجود داشته‌است. در پژوهش کیفی آبراهامسون (۲۰۱۲) نیز ترس از شکست رابطه عنوان یکی از دلایل فردی افراد برای حفظ رابطه و کوشش در جهت بهبود رابطه معرفی کرد. پژوهش‌هایی همچون عموزاده مهدری (۲۰۱۷)، دهدست و قبادی (۱۳۹۹)، آسپارا، ویتکوسکی و لو (۲۰۱۸) نیز عوامل اجتماعی-فرهنگی را کشف کرده‌اند

و در پایداری ازدواج، نافذ و اثرگذار می‌دانند. منتها چگونگی اثرگذاری عوامل اجتماعی-فرهنگی بردوام ازدواج در پژوهش‌های ذکرشده، متفاوت با نحوه اثرگذاری فاکتورهای اجتماعی-فرهنگی استخراج‌شده در پژوهش کنونی است و مطالعه‌ای که به طور مستقیم و خاص، همسو با نتایج یافته‌های این پژوهش در حوزه مولفه‌های اجتماعی-فرهنگی باشد یافت نشد.

همواره عواملی وجود دارند که تاثیر مستقیم بر مقوله هسته‌ای تاثیر نمی‌گذارند ولی وقوع پدیده‌ی موردنظر را کند می‌کنند. در این پژوهش نیز موانعی برسر راه تداوم رابطه زناشویی و پایداری ازدواج وجود داشته است که اولین مولفه اصلی آن، موانع مبتنی بر فرد با دو زیر گروه کیفیت‌های شخصیتی پیمان‌شکن و کیفیت‌های شخصیتی آسیب‌دیده معرفی شده است. مراد از کیفیت‌های شخصی عهدشکن، شماری از ویژگی‌های شخصیتی و انتظارات از جانب شخص بی‌وفاست که فرآیند بخشش، بازسازی اعتماد و بهبود رابطه باهمسر و فرزند را سست می‌کند. در همین راستا نتایج پژوهش ترابیان، عامری و خدابخش (۱۳۹۱) مشخص کرد که بین مردان خائن و مردان عادی، تفاوت معناداری در وجدان‌گرایی وجود دارد. رسول زاده اقدم، خیرجو و عباسی (۱۴۰۰) نیز به نتایج مشابهی در زمینه انکار خیانت رسیدند. ویلیامز^{۲۰} (۲۰۱۲) اینگونه شرح می‌دهد که کاهش و نابودی اعتماد در روابط نزدیک و به‌ویژه در خانواده، نه تنها تداوم رابطه زوجین را دچار تزلزل می‌کند، بلکه صمیمیت رانیز کاهش می‌دهد و نگرانی و تنش روحی ایجاد می‌کند، احساس امنیت نسبت به همسر را خدشه‌دار می‌کند و فرصت را برای رویدادهای صمیمی و توسعه احساس امنیت صمیمی محدود می‌کند. موانع مبتنی بر خانواده دومین مولفه‌ی اصلی شرایط مداخله‌گر با دو مولفه فرعی شامل: موانع زوج‌محور و موانع والد-فرزندی بودند. مقصود از موانع زوج محور، عواملی هستند که معطوف به همه‌ی ابعاد رابطه مشترک بین همسران هستند و فرآیند رسیدن به تداوم رابطه را کند می‌کنند. عملکردضعیف جنسی همسران و تکرار خیانت از جمله عواملی بودند که تداوم رابطه زناشویی را تهدید می‌کردند. یافته‌ها در این بخش حاکی از این بود که وقتی زوجین بعد از مدت‌ها باهم رابطه برقرار کرده‌اند احساس صمیمیت تاحدی بین‌شان پررنگ شده است، لیکن وقفه‌های طولانی بین برقراری رابطه جنسی و عدم وجود گفت‌وگوهای عاشقانه عمیق و مهم ترازهمه یادآوری خیانت و تسکین پیدانکردن جراحتهای آن سبب شده‌اند تا این روند ادامه پیدا کند و دوام زندگی زناشویی به مخاطره بیفتد. در باب تایید یافته‌های پژوهش جاری بالچ، هاس و لونسون^{۲۱} (۲۰۱۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که رابطه جنسی به شکل‌های گوناگون بر رضایت زناشویی اثر می‌گذارد. ارتباط جنسی، نیازهای زیستی و اجتماعی انسان را برآورده می‌کند و کیفیت زندگی را افزایش می‌دهد. تجربه رضایت جنسی، با افزایش صمیمیت در رابطه تنش‌های رابطه را کاهش می‌دهد. همچنین نتایج تحقیقات ترابیان، جانسن، کاروالهیرا، هالد، لانگ، گراهام^{۲۲} (۲۰۱۹)، احمدی^{۲۳} (۲۰۱۲)، شیردل (۲۰۰۷) با یافته‌های پژوهش فعلی هم‌خوان هستند.

اولین دسته از راهبردهای پدیدار شده از بطن مصاحبه با افراد، راهبردهای شخص محور با سه مولفه‌ی فرعی: خودکاوی، مهارت‌آموزی و خودمراقبتی می‌باشد. مشارکت کنندگان در خلال فرآیند خودکاوی متوجه شده بودند که یادگیری برخی از مهارت‌ها بسیار مفید و ثمربخش خواهد بود. مهارت‌هایی همچون: ابرازگری هیجانی، مهارت‌های زندگی، گفت و گوی موثر و مهارت‌های ارتباطی باهمسر. به نظر می‌رسد افراد آسیب‌دیده به این نتیجه رسیده بودند که پاره‌ای از رفتارهای‌شان در گذشته، باورهای ناکارآمد، چالش‌های روانی شخصی خودشان و نداشتن مهارت‌های کافی در زندگی با همسر زمینه‌ساز بروز خیانت در رابطه‌شان بوده است. در همین راستا نتایج پژوهش‌های گوردون، باکوم، اسنایدر^{۲۴} (۲۰۰۹) و سمیعی (۱۳۹۷) با نتایج پژوهش حاضر همسو است. دومین مقوله اصلی کشف‌شده در بخش راهبردها راهبردهای خانواده‌محور است که دربردارنده سه مولفه

^{۲۰} Williams.

^{۲۱} Bloch, Haase, Levenson

^{۲۲} Baucom, Snyder, Gordon

محوری: حفظ مرزهای همسری، پربارسازی رابطه همسری و حفظ مرزهای والدفرزندی است. در این قسمت راهبردهایی آشکار شدند که به بهبود روابط بین زوج و رابطه بین والدین و فرزندان و در نهایت به وقوع پیوستن تداوم رابطه زناشویی کمک می کرد. در واقع یافته های پدیدار شده تحت عنوان پربارسازی رابطه همسری نشانگر این بودند که اختصاص دادن زمان بیشتر برای همسر، تفریحات مشترک با همسر، رابطه کلامی مستمر و حرف زدن درباره ابعاد متفاوت زندگی با وی، همگی جزو راهبردهای نافذ و سودمندی بوده اند که زوجین در جهت حفظ زندگی و بازسازی روابط سالم و عاشقانه پس از پشت سر گذاشتن پیمان شکنی از آن ها کمک گرفته اند. این یافته ها با نتایج مطالعات ولاسر-مایراو نیکوترا (۲۰۱۹)، نورهایاتی، فاتوروچمان و هلمی (۲۰۱۹)، کمالی، اللهیار، استوار (۲۰۲۰) هم خوان هستند. همچنین در راستای اهمیت مرز و تاثیر آن بر پایداری ازدواج پژوهش ها و مطالعات گسترده ای انجام گرفته است، لیکن پژوهشی که نحوه ی تاثیر و سازوکار مرزگذاری بین والدین دارای تجربه خیانت و فرزندان شان را اینگونه تبیین کرده باشد یافت نشد، در نتیجه این مولفه را می توانیم جزو یافته های نسبتاً جدید این پژوهش محسوب کنیم. بررسی دقیق یافته ها، آخرین مقوله اصلی در بخش راهبردها را تحت عنوان راهبردهای اجتماع محور پدیدار کرد. این مقوله شامل سه بخش فرعی از قرار: بهره گیری از خدمات مشاوره و روان درمانی، حفظ مرزهای منظومه همسری با خانواده و اطرافیان، متمرکز شدن بر نقش های اجتماعی به جای نقش های همسری بود. باذعان تجربه مشارکت کنندگان، بهره گیری زوجین از خدمات مشاوره و روان درمانی پس از تجربه خیانت، یکی از سودبخش ترین راهبردها در جهت تداوم رابطه زناشویی بوده است. در راستای همین امر مالر^{۲۳} (۲۰۱۵) تاکید می کند که مشاوره چه برای مردان خیانت کرده و چه برای زنان خیانت دیده و برعکس، با ایجاد عواطف مثبت، جلب توجه به ویژگی های مثبت زندگی و رفع تعارضات درونی، می تواند برای جنبه مهم زندگی موثر واقع شود. در باب تایید اهمیت مرزبندی صحیح بین روابط زوج و خانواده ها و اطرافیان طاهری بخش (۱۳۹۵) ادعا می کند برای موفقیت ازدواج در جامعه ایران تنهایی موضوع مهم نیست که کیفیت روابط زوجین بایکدیگر چگونه است بلکه این مسئله که رابطه ی هریک از همسران با خانواده طرف مقابل، نفوذ و نقش والدین همسران چگونه است نیز، از اهمیت بالایی برخوردار می باشد. در تبیین مقوله کشف شده می توان اظهار کرد از آنجایی که نقش خانواده های همسر و اطرافیان بر شادکامی و پایداری ازدواج بر موفقیت و دوام ازدواج در فرهنگ ایرانی کاملاً مشهود است، نگرش آن ها به همسر اهمیت ویژه ای پیدامی کند. بر کسی پوشیده نیست که آشکار شدن خیانت یکی از همسران، تاثیر مخربی بر نگرش خانواده های مبدا و دوستان و آشنایان می گذارد، لذا با استناد بردانش مشارکت کنندگان از تجربیاتشان در این باره می توان یکی دیگر از مفید ترین راهبردها، آشکار نکردن ماجرای خیانت در بین خانواده و آشنایان معرفی کرد. در واقع حفظ مرزهای منظومه زوجی با خانواده و اطرافیان بیانگر این مفهوم است که اگر مسائل و مشکلات زوجی از جمله پیمان شکنی و مسائل حاشیه ای آن در حریم منظومه ی همسران باقی بماند، اقدام ارزشمندی در جهت حفظ تداوم رابطه زناشویی صورت گرفته است. نتایج پژوهش های قاسمی و ساروخانی (۱۳۹۲)، پارک و پارک (۲۰۱۹) به نتایج مشابهی دست یافتند.

پیامدهای عمده حاصل از محقق شدن پدیده محوری و اتخاذ راهبردها در پژوهش حاضر، دو مقوله اصلی پیامدهای فرسایشی و پیامدهای رشدی را نشان داد. پیامدهای فرسایشی شامل دو مضمون فرعی (ابعاد روانی-جسمانی اعضای خانواده و تزلزل مرزها در روابط اعضای خانواده بود. همانطور که پارکر (۲۰۰۰) اشاره کرده است، لزوماً همه ی ازدواج های پایدار رضایتمند نیستند. در پژوهش حاضر نیز همه ی افراد آسیب دیده ای که مورد مصاحبه قرار گرفتند از زندگی مشترک خود با همسرشان و تداوم آن راضی و خشنود نبودند، چه بسا در انتظار موقعیتی بودند تا بتوانند از این زندگی خارج شوند. در این خانواده ها پیامدهای فرسایشی بیش از همه مشاهده می شد. پیامدها تنها معطوف به شخص آسیب دیده نبود و همه اعضای خانواده علی الخصوص فرزندان رانیز در برمی گرفت. خیانت در میان همسران مشکلات و آسیب های خاص خود را در میان اعضای خانواده، اشخاص وابسته و سایرین به وجود می آورد و اغلب زوج ها مصونیت چندانی در برابر این آسیب ندارند. در این بین شدید ترین آسیب متوجه همسری است که مورد خیانت قرار گرفته و پس از آن فردی که اقدام به خیانت نموده است. اما فرزندان که شاهد کشمکش ها،

^{۲۳} Moller & Vossler

قهرها و ناآرامی های پس از بی وفایی و خیانت هستند نیز از عوارض آسیب زای آن صدمه ی شدیدی می بینند. پیامدهای آسیب زای جسم رانیز تحت تاثیر قرارداده بود چرا که دسته ای از بیماری ها روان تنی هستند و تحت تاثیر شرایط روحی به وجود می آیند. از آسیب های دیگری که متوجه خانواده های دارای تجربه خیانت بود می توان به از بین رفتن مرزها بین اعضای خانواده اشاره کرد. والدینی که مرتکب خطاشده بودند و فرزندان شان از این مسئله آگاهی داشتند، از جایگاه مناسب و قدرت کافی در خانه برخوردار نبودند. هم چنین نقش ها در این خانواده ها جابه جاشده و فرزندان در جایگاه بالاتری نسبت به والدین قرار گرفته بودند. مقوله ی اصلی دوم که پیامدهای رشدی نام گرفت، دربردارنده چهار زیر مجموعه است: ابعاد احساسی-شناختی، سازگاری زوج، رشد فرزندان، جوروانی مثبت حاکم بر فضای خانه. اکثر زوج هایی که باتمایل قلبی خودشان زندگی را حفظ کرده بودند و از راهبردهای مناسب و اصلاحی جهت برخورد با خیانت و تداوم رابطه شان بهره برده بودند، به پیامدهای رشدی اشاره کردند. همسران این خانواده ها احساس آرامش داشتند و به واسطه آموزش هایی که دیده بودند بر مهارت های کافی جهت سازش با همسر مسلط شده بودند. بیانات همسران آسیب دیده هچاک از آن بود که یکی از بارزترین پیامدهای تداوم و حفظ رابطه برای آن ها بهره مندی فرزند از وجود هردو والد، سلامت روان و تربیت فرزندان موفق بود. نتایج تحقیقات روستین^{۲۴} (۲۰۱۸)، تری پاتی و ساها^{۲۵} (۲۰۱۹) و اورف^{۲۶} (۲۰۱۸) با یافته های این پژوهش در راستای فضای سالم و شاد خانه و تاثیرات آن بر روی اعضای خانواده هم خوانی دارد. در نهایت مجموعه ای از این پیامدهای مثبت منجر شده تا اعضای خانواده پس از گذراندن یک طوفان در زندگی به آرامش رسیده و فضای امن و شادی را در کنار هم تجربه کنند.

در نهایت، باتوجه به چند بعدی بودن عوامل تاثیر گذار بر تداوم رابطه زناشویی در ازدواج های باتجربه پیمان شکنی زناشوییکه حجم زیادی از عوامل حمایتی در بخش های فردی، بین فردی و اجتماعی شناسایی شد؛ وجود شبکه های حمایت درونی و بیرونی هواره می تواند به زوجین برای مواجهه کارآمد با چالش ها و مشکلات باری رسان باشد. همچنین از جمله محدودیت های پژوهش حاضر، رعایت تعلیق ذهن (اپوخه) از سمت مصاحبه کننده امکان پذیر نبوده است. بدین علت ممکن است برخی پیش فرض های ذهنی محقق در نتایج تحقیق دخیل باشد. همچنین به دلیل ماهیت برخی از سوالات پژوهش حاضر که مرتبط با مسائل خصوصی و زندگی خانوادگی شرکت کنندگان بود، ممکن است برخی از آن ها با صداقت کامل پاسخ نداده باشند. با التفات به اینکه مصاحبه شوندگان در این پژوهش، مجموعه ای از افراد راضی و ناراضی از تداوم زندگی شان بودند، پیشنهاد می شود این مطالعه با اشخاصی که از تداوم رابطه زناشویی شان پس از تجربه پیمان شکنی راضی هستند صورت گیرد. پیشنهاد می شود مراکز مشاوره، طرح های پیشگیرانه و درمانی را برای فرزندان که شاهد کشمکش های والدین پس از تجربه خیانت بوده اند در نظر بگیرند.

منابع

- آقاپور، مهدی؛ محمدی، اکبر (۱۳۸۸). "مقایسه افسردگی پس از زایمان زنان شاغل و خانه دار و رابطه آن با حمایت اجتماعی و سازگاری زناشویی". زن و مطالعات خانواده. ۱ (۴)، ۹ - ۳۲.
- بشرپور، سجاد. (۱۳۹۱). "اثر بخشی درمان پردازش شناختی بر بهبود علائم پس آسیبی، کیفیت زندگی، عزت نفس و رضایت زناشویی زنان مواجه شده با خیانت زناشویی". مشاوره و روان درمانی خانواده، ۲ (۲)، ۱۹۳-۲۰۸.

^{۲۴} Roostin.

^{۲۵} Tripathy & Sahu

^{۲۶} Orth

- پوریچی، سیدمصطفی، شیرکوند، فریده، سلیمی، آرمان، داورنیا، رضا، و شاکرمی، محمد. (۱۳۹۸). "تاثیر مداخله مبتنی بر بخشش به شیوه گروهی بر صمیمیت زناشویی زنان آسیب دیده از پیمان شکنی همسر". افق دانش، ۲۵(۲)، ۱۰۲-۱۰۹.
- حیدری ممدی طاهره، وزیری یزدی، سعید، عبادی، سیدحسین. (۱۳۹۸). "زمینه یابی فرآیند پیمان شکنی زناشویی در مراجعین به مرکز روان پزشکی اجتماعی بیمارستان نور". مجله تحقیقات علوم رفتاری. ۱۷(۲)، ۳۳۶-۳۴۷.
- عیسی نژاد، امید، و باقری، آرزو. (۱۳۹۵). "پدیدارشناسی روش های توجیه خیانت: سازوکارهای رویارویی با ناهماهنگی های شناختی در روابط فرا زناشویی. مشاوره و روان درمانی خانواده". ۶(۲)، ۱۸۹-۲۰۷.
- کرایبی، امین، خجسته مهر، رضا، سودانی، منصور و اصلانی، خالد. (۱۳۹۵). "شناسایی عوامل موثر در ازدواج های پایدار رضایتمند در زنان". مشاوره و روان درمانی ۲۲(۲): ۱۲۹ تا ۱۶۴.
- مرسلی، زهرا، موتابی، فرشته، و صادقی، منصوره السادات. (۱۳۹۷). "تجربه بخشودگی در زنان دچار خیانت زناشویی. مجله علوم روانشناختی". ۱۷(۷۰)، ۶۸۳-۶۹۴.
- هارلی، و؛ هارلی چالمرز، ج. (۱۳۹۳). "رهایی از خیانت های زناشویی: روش های عملی برای پیشگیری از بی وفایی، درمان آن و بازسازی مجدد زندگی مشترک". ترجمه سید شمس الدین حسینی، الهام آرام نیا و حمیده رستمی، تهران: نسل نو اندیش.
- Abrahamson, I., Hussain, R., Khan, A., & Schofield, M. J. (۲۰۱۲). "What helps couples rebuild their relationship after infidelity?". Journal of Family Issues, ۳۳(۱۱), ۱۴۹۴-۱۵۱۹.
- Be, D., Whisman, M. A., & Uebelacker, L. A. (۲۰۱۳). "Prospective associations between marital adjustment and life satisfaction". Personal Relationships, ۲۰(۴), ۷۲۸-۷۳۹.
- Corbin, Juliet, and Anselm Strauss. "Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory". Sage publications, ۲۰۱۴.
- Demeter, E., (۲۰۱۶). "The effects of infidelity on couples from a therapeutic point of view". Individual Cabinet, Arad, ۱۲۳-۱۳۳.
- Garcia, H. & Soriano, E. (۲۰۱۷). "The romantic ideal of men and women involve in the relationship of friends with benefits". Procedia-social and Behavioral Sciences, ۲۳۷: ۲۰۳-۲۰۸.
- Fincham, F. D., & May, R. W. (۲۰۱۷). "Infidelity in romantic relationships". Current opinion in psychology, ۱۳, ۷۰-۷۴.
- Michalitsianos, N. (۲۰۱۴). "Resiliency: a resource for promoting marriage satisfaction". M.A. dissertation in Marriage & Family Therapy. Kean University.
- Obalowu, I.A. and Abdul Rahim, A. (۲۰۲۲). "Marital Infidelity and Paternity Dispute in Nigeria: an Islamic Perspective". AL-HIKMAH: INTERNATIONAL JOURNAL OF ISLAMIC STUDIES AND HUMAN SCIENCES. ۵, ۵ (Aug. ۲۰۲۲), ۱-۱۷.
- Robles, T. F., Slatcher, R. B., Trombello, J. M., & McGinn, M. M. (۲۰۱۴). "Marital quality and health: A meta-analytic review". Psychological Bulletin, ۱۴۰(۱), ۱۴۰-۱۸۷.
- Rotenberg, K. J., Petrocchi, S., Lecciso, F., & Marchetti, A. (۲۰۱۵). "The relation between children's trust beliefs and theory of mind abilities". Infant and Child Development, ۲۴(۲), ۲۰۶-۲۱۴.
- Scheeren, P., Apellániz, I. d. A. M. d., & Wagner, A. (۲۰۱۸). "Infidelidade Conjugal: An Experience de Homens e Mulheres". Trends in Psychology, ۲۶(۱), ۳۵۵-۳۶۹.

- Schmidt, A. E., Mary S. Green, D., & Prouty, M. A. (۲۰۱۵). "Effects of parental infidelity and inter-parental conflict on relational ethics between adult children and parents: a contextual perspective". *Journal of Family Therapy*, ۱_۲۳
- Mark, K. P., Janssen, E., & Milhausen, R. R. (۲۰۱۱). "Infidelity in heterosexual couples: Demographic, interpersonal, and personality-related predictors of extradyadic sex". *Archives of Sexual Behavior*. ۴۰(۵): ۹۷۱-۹۸۲.
- Maphosa, S., Mutandwa, P., & Nyamayaro, A. T. (۲۰۱۷). "Infidelity appetite: psychological factors influencing married women to engage in extra-marital affairs". *Int J Innov Res Dev*, ۶(۱), ۴۶-۵۲.
- Nurhayati, S. R., Faturochman, F., & Helmi, A. F. (۲۰۱۹). "Marital quality: A conceptual review". *Buletin Psikologi*, ۲۷(۲), ۱۰۹-۱۲۴.
- Orth, U. (۲۰۱۸). "The Family Environment in Early Childhood Has a Long-Term Effect on Self-Esteem: A Longitudinal Study From Birth to Age ۲۷ Years". *journal of Personality and Social Psychology* ۱۱۴ (۴): ۶۳۷-۶۵۵.
- Priyadharshini, S., & Gopalan, R. T. (۲۰۲۰). "Marital Adjustment, Love, Personal Intimacy, personality, dyadic coping and spirituality on marital stability". *Asian Journal of Advanced Research and Reports*, ۷(۴), ۱-۱۶.
- Roostin, E. (۲۰۱۸). "Family influence on the development of children". *PrimaryEdu: Journal of Primary Education*, ۲(۱), ۱-۱۲.
- Whisman, M. A., Gilmour, A. L., & Salinger, J. M. (۲۰۱۸). "Marital satisfaction and mortality in the United States adult population". *Health Psychology*, ۳۷(۱۱), ۱۰۴۱-۱۰۴۴.
- Williams, M. L. (۲۰۱۲). "Romantic love communication: Examination of equity and effects on relational, sexual, and communication satisfaction". Kent State University.